

واگرایی و همگرایی وهابیت و نو عثمانی گری

در پرونده سوریه

سید حمید هاشمی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 4، پیاپی 72، زمستان 1396؛ صفحات 148-113

تاریخ دریافت: 1396/11/10 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/12/22

چکیده

ترکیه و عربستان سعودی با رویکردهای امنیتی متفاوت، واجد دو جهان بینی و رویکرد متعارض ایدئولوژیکی در خاورمیانه می باشند که در بحران سوریه، نمود آن مشخص است. بحران در سوریه، موجب صف بندی های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میدان های منطقه ای در صورت بندی منافع و اپوزسیون در سوریه گشته است. ترکیه و عربستان سعودی با دو مدل حکمرانی، در راستای تعمیق منافع خود در آینده سوریه با استفاده از مفصل بندی گزاره های راهبردی مانند ایدئولوژی نو عثمانی و سلفیسم وهابی، می باشند. این تحقیق ضمن تبارشناسی دو نحله فکری مذکور در صدد تبیین و تفسیر عرصه های متعارض این دو رویکرد امنیتی و فکری می باشد. روش شناسی این پژوهش بر مبنای تقابل رویکردهای امنیتی و روش تحقیق نیز تحلیلی / توصیفی می باشد.

واژگان کلیدی

وهابیت، نو عثمانی، بحران سوریه، هژمونی

* کاندیدای دریافت دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

در فقدان یک نظم مستقر با ویژگی‌های نظام بین‌الملل، دولت‌های خاورمیانه‌ای در پی تحکیم و بسط هژمونی و قدرت خود می‌باشند. به عبارتی هر کشور انتخابی ندارد، مگر اینکه درصدد افزایش بسط قدرت هژمونیک خود باشد (Huwaidin, 2015: 72) این هژمونی البته باعث بسط تعارضات، شعله‌ور شدن آتش خصومت و ملاً باعث جنگ می‌شود. به طور قطع، چارچوب مفهومی هژمونیک، ابزاری مناسب برای تحلیل جامع منازعات سیاسی، فرهنگی و جهانی / منطقه‌ای خواهد بود چرا که یکی از دلایل اصلی تعارضات و رقابت‌های سیاسی میان طرفین است. طی سال‌های اخیر همواره این تصور وجود داشته است که ترکیه به دنبال احیای عثمانی‌گرایی و رهبری جهان اسلام بوده تا عمق تاریخی و فرهنگی خود را احیا کند. ترکیه داعیه‌دار الگوی تمدن نوین اسلامی است، به نحوی که خود را الگوی ایده‌آل برای کشورهای اسلامی معرفی می‌کند. عربستان نیز در مقابل تلاش دارد تا با گسترش اسلام سلفی در آسیا و آفریقا، قرائت خود از اسلام را به مسلمانان در تمامی کشورهای عربی و اسلامی القا کند. مسئله دیگر به تقابل ترکی-عربی باز می‌گردد. به عبارتی ترکیه با تقویت سازه‌های هویتی ترکی تلاش دارد تا خود را وارث امپراطوری عثمانی نشان دهد و در مقابل عربستان خود را رهبر دنیای عرب می‌داند و همین مسئله می‌تواند منافع طرف مقابل را به عنوان یک رقیب تهدید نماید.

مبانی نظری: هژمونی

ماهیت آنارشیک خاورمیانه، علت اصلی کسب قدرت در این منطقه می‌باشد. چالشها و تهدیدهای مرزی و هویتی، باعث شده که دولت‌های خاورمیانه‌ای به صورت دایم التزایدی قدرت سخت‌افزاری خود را برای کسب هژمونی افزایش و ضمن افزایش قدرت ملی خود موجب ناامنی کشورهای دیگر شوند.

نوعثمانی‌گری و گسترش چتر امنیتی ترکیه ورای مرزهای خود و صدور ایدئولوژی وهابیت در خاورمیانه توسط عربستان سعودی باعث تعمیق بحران و تقابل این دو کشور در سیاست‌گذاری‌های خود در سوریه شده است. هژمونی، غالباً در ارتباط با دو موضوع به کار می‌رود. اولاً، در ارتباط با یک قدرت مادی برتر و با سلطه در حوزه‌های اقتصادی و نظامی در سطوح جهانی سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در نواحی جغرافیایی خاصی از جهان و ثانیاً، به مثابه یک نظم سیاسی در یک شیوه تفکر که تقلیل‌دهنده اجبار، سلطه و اشاعه قدرت نرم است (Pays, 2008: 7) البته، هژمونی که نه با جبر، بلکه با اجماع به‌دست، آید (Rogers, 1982, 21). هژمونی منطقه‌ای در دولت‌هایی دیده می‌شود که قدرت کافی را برای تسلط بر دول تابع و شبه دولت‌ها داشته باشند (Borges, 1989, 65). الگوی هژمونی بر این فرض استوار است که تأثیرات زیانبار رقابت را می‌توان با حذف اصل رقابت مهار نمود. در این راستا، تضعیف بازیگرانی که دارای ارزش‌ها، اعتقادات یا رویکردهای سیاسی و استراتژیک مخالفند، در سر لوحه کنش‌های هژمونیک قرار دارد. (Kraig, 2014: 44) قدرت هژمون، به دنبال ایجاد نظامی هژمونیک و درصدد است که اصول اساسی، هنجارها، و قواعد امنیتی را خود تعیین کند. بر این اساس هژمون از رژیم‌های خود ایجادکننده حداکثر سود را می‌برد و برای حفظ نظم هژمونیک، کالاهای عمومی را در اختیار بازیگران داخل نظام قرار می‌دهد (honghua, 2004: 75). هژمون دارای ابعاد مادی، فرهنگی و سیاسی است، یعنی بازیگری است که از لحاظ ظرفیت اقتصادی دارای وضعیت تفوق آمیز است. از سوی دیگر، بر توزیع قدرت نظامی و سیاسی در مجموعه امنیتی مسلط است. اولین معیار در شناسائی نظام امنیتی هژمونیک در محیط امنیتی، ساختار مادی است. در ساختارهای مادی که متشکل از دو یا سه قطب می‌باشد، احتمال ظهور نظام هژمونیک بالاست. دومین معیار، تولید کالای عمومی از سوی حداقل یکی از بازیگران است. چنانچه در مجموعه‌ای امنیتی حداقل یکی از

بازیگران اقدام به تولید کالای عمومی به ویژه در عرصه امنیتی نماید و هزینه‌ها و مسئولیت امنیتی دیگر بازیگران محیط امنیتی را برعهده گیرد، معیار شناسائی نظام امنیتی هژمونیک در سطح منطقه‌ای فراهم شده است (Keohne, 1990: 17). سومین معیار، داشتن پیروان است، یعنی بازیگر قدرتمند مجموعه امنیتی باید دارای پیروانی باشد که این پیروان حاضرند او را به بازیگری هژمونیک تبدیل نمایند. چهارمین معیار برخورداری از مکتب فکری و سیاسی است. بر این اساس بازیگر هژمونیک باید دارای مکتب سیاسی و فکری منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. یعنی برای حداقل یک منطقه، یک دین و یا یک نژاد، نقشه راه و ایدئولوژی داشته باشد و رفتارها و سیاست‌های آن در عرصه سیاست خارجی بر پایه این ایدئولوژی تنظیم شده باشد. برای استمرار نظام امنیتی هژمونیک نیز سه ساز و کار باید مطمع نظر باشد.

1. سلطه تحمیلی مبتنی بر استیلا؛

2. نفوذ مبتنی بر تولید کالائی عمومی؛

3. ترکیبی از اجبار و رضایت.

در نهایت باید عنوان نمود که هژمون بازیگری فعال، انحصارگرا و بلامنازع در سطح مجموعه امنیتی است و در نقش قیم در میان بازیگران مجموعه امنیتی عمل می‌کند. (خانی، 1381: 234). الگوی هژمونیک یک الگو برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای است که براساس غلبه منافع یک بازیگر بر سایر بازیگران و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. براساس این الگو، صف دوستان و دشمنان از یکدیگر تفکیک می‌شود. در این الگو، رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد و از همه امکانات و ابزارهای مختلف برای محدود کردن از جمله عدم دسترسی به فن‌آوری‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی استراتژیک استفاده می‌شود. در تحلیل مقایسه‌ای قدرت‌های هژمونیک منطقه‌ای، شاخص‌های مهم



ذیل را برای این قدرت‌ها برمی‌شمارد: نولته (nolte, 2010: 15)

- بخشی از یک منطقه که جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی است و حد و مرز مشخصی دارد.

- برای رسیدن به یک موقعیت پیشرو در منطقه، مقاصد را مفصل‌بندی می‌کند.

- به صورت قابل توجهی در تحدید حدود ژئوپلیتیکی و سازه‌های منطقه تأثیرگذار است.

- قدرت منطقه‌ای، منابع ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی را برای پروژه قدرت منطقه‌ای به نمایش می‌گذارند.

- قدرت منطقه‌ای از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه نفوذ به هم پیوستگی دارد.

- دولتی که نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای دارد (پیامدها و اقدامات)

- اعمال این نفوذ به وسیله ساختارهای حکمرانی منطقه‌ای انجام می‌پذیرد.

- در دستور کارهای امنیتی منطقه، تأثیرگذار است.

- برای دول منطقه‌ای به ویژه قدرت‌های منطقه‌ای، قابل احترام است.

- هژمون منطقه‌ای نه تنها از منافع خود، بلکه تا حدودی از منافع منطقه‌ای نمایندگی می‌کند.

با توجه به مؤلفه‌های فوق می‌توان گفت دستور کار سیاستی ترکیه و عربستان در

سالیان اخیر در راستای تفوق هژمونیک در منطقه می‌باشد. این فضای تقابل ژئوپلیتیک

- ایدئولوژیک دو کشور، رقابتی هژمونیک را بر سر مدل‌های حکمرانی و منطقه‌ای

میدان‌های مذکور به وجود آورده است که در سیاست‌های منطقه‌ای این کشورها

مستتر است. به طوری که می‌توان انتقاد شدید ترکیه به مدل اسلامی و رفرم مدنی در

عربستان را در این راستا تحلیل نمود (www.hurriyetdailynews.com, 10 november 2017).

از طرفی جهت کنش موفق در منطقه، این میدان‌ها نیاز به هم‌آوایی کارگزاران

ژئوپلیتیک دارند که گرچه فاقد کنش حداکثری هستند ولی می‌توانند ساختارهای



ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه را دچار چالش نمایند. این کارزارهای ژئوپلیتیک که در منطقه اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف را شامل می‌شود، باعث تغییر رفتار ایدئولوژیک و ساختارهای ژئوپلیتیک در منطقه می‌شوند. در ادامه به بررسی زمینه‌های رقابت این دو قدرت جویای هژمون می‌پردازیم.

تبارشناسی نوعثمانی‌گری

نوعثمانی برای نخستین بار و به طور وسیعی در دهه 1360 به وسیله دولت تورگوت اوزال در حزب مام میهن و برای نفوذ در حوزه قفقاز و بالکان و حل مشکل کردها از راه تمرکززدائی و اختیارات بیشتر به کردها، آغاز شد. بنابراین این گفتمان، یک واژه به عاریت گرفته شده توسط حزب عدالت و توسعه از حزب مام میهن است که با بهره برداری از پوپولیسم اسلامی و با اضافه نمودن صفرنمودن مشکلات با همسایگان در بعد خارجی، تبدیل به یک گفتمان غالب در سیاست خارجی ترکیه شد (Unver Noy, 2014: 92). بازنمائی نوعثمانی‌گری، یک روند سیاسی و فرهنگی در سیاست‌های داخلی و خاجی ترکیه و در ارتباط با احیاء عامدانه گذشته امپراطوری عثمانی است. در سیاست‌های داخلی، نوعثمانی با هدف تجدید فرهنگ و سنت عثمانی و مالک شدن اعتماد سیاسی بیشتر در چارچوب امپراطوری عثمانی است که به وسیله حزب عدالت و توسعه با استفاده از سیاست‌های قومی، مذهبی و فرهنگی به خصوص با کردها پیگیری شد. در بعد خارجی نیز به حداقل رساندن مشکلات با همسایگان با هدف ارتقاء ارتباط مؤثر با کشورهای همسایه ترکیه مد نظر بود. نوعثمانی‌گری در ابتدا به مثابه جایگزینی برای ایدئولوژی کمالیست مطرح شد که عناصر این ایدئولوژی، حفظ انسجام، همانندسازی اقلیت‌های قومی و غربی شدن حداکثری بود. بنابراین می‌توان نوعثمانی‌گری ترکیه را به یک ساختار شبه امپریال برای دسترسی به هویت عثمانی در قلمروهای نفوذ سنتی ترک‌ها، تعبیر نمود (Kagan, 2016: 36).

نوح ییلماز در مقاله‌ای با عنوان، خداحافظی ترکیه با سیاست صفرکردن مشکلات با همسایگان و نظریه داوود اوغلو که در بولتن شورای اروپا در سال 2016 به رشته تحریر در آمده است بر این اعتقاد است که ترکیه با شکست در سیاست‌های منطقه‌ای خود، دکترین اوغلو را کنار گذاشته است (Yilmaz, 2016: 67-74). پاسخ به بحران سوریه به آسانی با سیاست عمق استراتژیک و صفر کردن مشکلات، مفصل‌بندی نمی‌شود. بنابراین تغییر سیاست ترکیه نسبت به سوریه، حمله مستقیم در فضاهای تجزیه شده سوریه می‌باشد. با این نگاه می‌توان گفت ترکیه با حمایت از اخوان سوریه تحت لوای شورای ملی سوریه و متقاعد نمودن اپوزیسیون گروه‌های مسلح سنی عرب به تساهل بیشتر نسبت به اقلیت‌ها، سیاست جدید خود در سوریه را به پیش می‌برد. همچنین سیاست عمق استراتژیک اوغلو باعث تنش این کشور با سه دولت عراق، ایران و سوریه شده است. مضاف بر این موارد ترکیه با عربستان سعودی در حمایت از نوع اپوزیسیون در سوریه مخالف است. عربستان مخالف شدید اخوان المسلمین در سوریه و طرفدار گروه‌های تندرو سلفی است، در حالی که ترکیه در حال حاضر در پی ساماندهی گروه‌های میانه رو و متساهل در سوریه می‌باشد (Yilmaz, 2016: 71) اخوان سوریه در سال 1361 در شورش حما، سرکوب شد ولی به دنبال بحران سوریه و در پی سیاست کمک‌های مالی خود که به نظر می‌رسد تا ده هزار سمپات داشته باشد، در صدد احیاء خود برآمد. گرچه اخوان در سوریه و در بین اپوزیسیون نقشی بسیار ضعیف دارد ولی به نظر می‌رسد با توجه به امکانات مالی خود، نقش تاج بخش را ایفاء نماید، گرچه عربستان به شدت با نضج اندیشه اخوانی در سوریه مخالف است. از سوئی یکی از مناقشات بین ترکیه و عربستان، در خصوص پیکربندی اپوزیسیون در سوریه می‌باشد. جبهه اسلامی بزرگ‌ترین ائتلاف اپوزیسیون سوریه در سال‌های اخیر است که در نوامبر 2013 به وجود آمد. این جبهه با نیروئی بین 40 تا 60 هزار نفر متشکل از گروه‌هایی مانند احرار الشام، لواء الحق، انصار الشام، جبهه آزادی‌بخش

اسلامی سوریه که متشکل از سه شاخه ثغورالشام، جیش السلام و لواء التوحید است، تشکیل شد. (Lang & etc, 2014). جبهه اسلامی در این بازه زمانی یک پروژه ایدئولوژیکی را برای اتحاد میان گروه‌ها تعریف و با تقسیم موقعیت رهبری بین دو جناح عمده یعنی احرارالشام و جیش السلام، موافقت نمود. البته احرار الشام نظر به تفوق خود در کمیته‌های سیاسی و شرعی، نقش بالادستی را به خود اختصاص داد. احرارالشام خود را با طالبان مقایسه و لذا علاوه بر جاری نمودن احکام شریعه خود را محدود به جغرافیای سیاسی داخل سوریه نمود.

تبارشناسی ایدئولوژیک وهابیت

تبارشناسی گروه‌های تکفیری در سال‌های اخیر در خاورمیانه بدون شناخت وهابیت امری عبث خواهد بود، لذا تفسیر و تبیین این ایدئولوژی می‌تواند به چگونگی، پیدایش و آینده این گروه‌ها، کمکی شایان نماید.

به‌دنبال فروپاشی امپراطوری عثمانی بر پهنه وسیعی از خاورمیانه با جغرافیای قومی و دینی متکثر، خلأ و گسل هویتی، پدیدار گشت. در این میان عربستان سعودی با تکیه بر هویت عربی/ مذهبی با تقویت عنصر دینی به عنوان یک سرچشمه هویتی، عنصر هویت‌سازی را در جهان عرب برای خود تعریف نمود. (درایسدل و بلیک، 1369، 76). دو مؤلفه اساسی که باعث تقویت ایدئولوژی دینی در فرآیند هویت‌سازی عربستان سعودی می‌گردید را می‌توان اماکن و جغرافیایی مذهب و زیر بنای آئین حکومت‌داری بر پایه ایدئولوژی اسلام وهابی در این کشور دانست (منصوری مقدم، 1391، 43). وهابیت در اوائل فعالیت خود یعنی در قرن هجدهم، به تمرکزگرایی سیاسی گرایش و با اتحاد دو عنصر سیاسی و دینی توسط محمدابن سعود و محمدابن عبدالوهاب نخستین امیرنشین سعودی / وهابی تشکیل شد، یعنی یک جنبش دینی که با پروژه سیاسی همراه بوده است. این امیرنشین به بهانه پالایش و تصفیه ایمان از بدعت بر علیه سایر مکاتب



اسلامی، خیزش نمود. بنابراین می‌توان وهابیت را نوعی گفتمان دینی چند پاره، اما هژمونیک دانست، به نوعی که می‌تواند با توجه به جهان‌بینی خود، موجد تعارض گردد. در قرن بیستم نیز یکی از دلایل نضج وهابیت را می‌توان مدرنیته نامید به نوعی که مدرنیته، سلفی‌گری را تحریک و تداوم بخشید. به طور کلی، اصلی‌ترین و شاید مهم‌ترین کارویژه وهابیت را می‌توان در مشروعیت‌بخشی به قدرت آل سعود دانست (مضاوی الرشید، 2006).

نقش ترکیه در صورت‌بندی اپوزیسیون سوریه

روابط ترکیه با سوریه در ابتدای دوران بشار اسد رو به توسعه رفت ولی در ابتدای بحران سوریه، ترکیه در ظاهر، اسد را تشویق به اصلاحات نمود ولی با وخامت اوضاع در سوریه، ترکیه خواهان تغییر رژیم شد و این موضوع در ابتدای سال 2012 که ائتلاف دوستان سوریه را به وجود آورد و عملاً اجازه سازماندهی به ارتش آزاد سوریه را داد به سیاست تغییر رژیم در سوریه، منجر شد. ترکیه در سال‌های اخیر نه تنها نقش مهم، بلکه بیشترین تأثیر را در ساماندهی نیروهای سنی مخالف اسد، ایفا نموده است. گرچه در طرف مقابل اپوزیسیون مدنی غیر اسلامی سیاست‌های ترکیه را به فرقه‌ای نمودن اپوزیسیون و میلیتاریزه نمودن تعارض متهم نموده‌اند. با این نگاه، ترکیه نقش مهمی را در حمایت از اپوزیسیون سنی و مدیریت تعارض اپوزیسیون سنی در سوریه داشته است (Aita, 27 January, 2014). در این بین ترکیه، تنها از گروه‌هایی حمایت کرده که بر عربی نمودن سوریه و انسجام سرزمینی سوریه بعد از اسد تأکید دارند. در این راستا شورای ملی سوریه با حمایت ترکیه و در شهر استانبول تشکیل شد. ترکیه همچنین حمایت قاطعی را از تشکیل ارتش آزاد سوریه به وجود آورد. با خیزش اپوزیسیون سنی میانه‌رو و تضعف ارتش آزاد، ترکیه خود را متعهد به حمایت و همکاری از گروه‌های سلفی و جهادی و مشخصاً، از احرار الشام، شاخه انشعابی القاعده در عراق و سوریه،

حمایت کرد (Michel & Seufert, 2016, 79). به علاوه در حالی که بقای نظام سوریه، دشمن اصلی برای اپوزیسیون سنی سوریه می‌باشد، برای ترکیه کماکان هرگونه خودمختاری و استقلال کردهای سوریه نیز خط قرمز می‌باشد.

سیاست کردی آنکارا و عربستان در سوریه

روابط آنکارا با کردهای سوریه را سیاست سنتی کردهراسی یعنی میراث قدیمی ترکیه آتاتورک، تعیین می‌کند. چندین دلیل برای سیاست خصمانه ترکیه نسبت به کردهای سوریه وجود دارد:

- خودمختاری کردها در سوریه به معنای بین‌المللی شدن بیشتر مشکل کردها و بنابراین یک گام مهم در راستای دولت بودگی کردها، است.

- کردهای سوریه از لحاظ زبانی و خویشاوندی به کردهای ترکیه نزدیک‌تر می‌باشند تا کردهای عراق.

- جنگ در سوریه قابلیت به ترکیه اعطا نمود که به صورت مستقیم و نظامی بر علیه کردهای مخالف ترکیه در عراق و سوریه، وارد عمل شود.

ریاض و آنکارا هر دو خود را بازیگران بزرگ منطقه‌ای و در عین حال رقیب یکدیگر می‌دانند، اما اشتراکاتی همچون کنار گذاشتن اسد در آینده سیاسی سوریه دارند. اما آیا این اشتراک مواضع در مورد آینده سوریه بعد از اسد نیز باقی خواهد ماند؟ مسئله دیگر به اختلافات دو طرف در قبال کردها باز می‌گردد. هر چند که عربستان حمایت از کردها را به عنوان عاملی تسهیل‌گر در تجزیه سوریه می‌داند اما ترکیه مستقیماً کردهای شمال سوریه را مورد حمله قرار داد.

در مجموع می‌توان اظهار داشت اختلافات اساسی در میان ترکیه و عربستان همواره وجود داشته است و همگرایی‌ها بیشتر در حوزه تحولات میدانی منطقه غرب آسیا بوده است که بهترین نمونه آن را می‌توان در قبال تحولات سوریه یافت. بنابراین می‌توان گفت با وجود گام‌هایی که برای تفاهم آنکارا و ریاض طی سال‌های اخیر برداشته شده است، اما زمینه‌های تعارض و رقابت آنها بسیار عمیق است.



همچنین بحران اخیر قطر نیز نشان داد که این تعارضات روند افزایشی نیز دارد.

ترکیه و داعش: استراتژی ژئوپلیتیکی و حرکت قلمروخواهانه

مطابق خیلی از گزارش‌ها، ترکیه متهم به حمایت مستقیم و غیرمستقیم از سازمان‌های تروریستی است (The Telegraph, Marc 15, 2016). شواهدی دال بر انتقال، پشتیبانی، حمایت‌های مالی، تسهیل فروش نفت و کمک برای استخدام نیروهای سلفیستی توسط ترکیه، می‌باشد (Philip, <http://tinyurl.com>). آنکارا تا 12 جولای 2015، حملات هوایی را بر علیه داعش به نیروهای امریکایی پایگاه اینجریلیک نداد. حتی پس از کشته شدن تعدادی در حمله تروریستی منطقه سوروج توسط داعش، ترکیه به جای حمله بر علیه داعش، به مواضع حزب کارگران کردستان در سوریه و عراق حمله نمود.

به طور کلی در سیاست خارجی ترکیه می‌توان سه دوره مختلف را احصاء نمود:

- حفظ تعادل شکننده بین هویت شرقی و طرفداری از غرب؛

- بهار عربی، انطباق سیاست‌ها طرفداری از عنصر عرب سنی، رویگردانی

منافع با غرب؛

- چرخش ترکیه به سوی سیاست خارجی دفاع سنتی و فاصله با غرب؛

کاگان و همکاران در گزارش خود با عنوان استراتژی‌های کلان آمریکا و مقابله با داعش و القاعده که در سال 2016 به رشته تحریر درآمده، روش‌ها، اهداف خرد و

کلان ترکیه در منطقه خاورمیانه را ترسیم می‌نماید.

در راستای کنشگری ترکیه می‌توان، روش‌ها، اهداف خرد و کلان ترکیه در

منطقه خاورمیانه را به صورت ذیل ترسیم می‌نماید (Kagan, 2016).

اهداف کلان ترکیه	اهداف خرد ترکیه	روش‌های ترکیه
- بازآفرینی نقش ترکیه به عنوان یک قدرت مستقل منطقه‌ای در برابر آمریکا و ناتو - باز تأسیس یک قلمرو شبه امپریال تأثیرگذار بر حوزه‌های سرزمینی و قلمروئی امپراطوری عثمانی - ترویج صورت‌بندی حکومت‌های اسلام سنی در خاورمیانه - دستیابی به جایگاه رهبری جهان اسلام - احیاء عظمت امپراطوری سابق ترک‌ها - ارائه مدل موفق رهبری اسلامی جوامع دموکراتیک	- دستیابی به سلطه اقتصادی در خاورمیانه - ترویج و شکل‌گیری صورت‌بندی دول اسلام سنی در لیبی و سوریه - جلوگیری از ایجاد دولت مستقل در کردستان عراق و هرگونه خود مختاری و مفصل‌بندی هویت کردی در کردستان سوریه	- حمایت از اخوان المسلمین و جنبش‌های همسو با آن - ارائه کمک‌های نظامی به گروه‌های شورشی اسلام‌گرا - تقویت روابط اقتصادی با خاورمیانه، آسیای مرکزی و بالکان - ورود به مناقشه اعراب و اسرائیل - امتیاز گرفتن از آمریکا و اروپا در جنگ با سوریه - نبرد با حزب کارگران کردستان به عنوان یک ابر دشمن - تقویت حزب دموکرات کردستان عراق در نبرد با حزب کارگران کردستان

کدسازی ژئوپلیتیکی عربستان و سوریه در خاورمیانه

کد ژئوپلیتیکی، کدهای عینیت یافته و عملیاتی سیاست خارجی دولت‌ها می‌باشند که به سنجش و پایش مکان‌های خارج از قلمرو سرزمینی کشور و براساس اولویت‌ها و درجه اهمیت آنها برای منافع خود می‌پردازند. پاسکال، کدهای ژئوپلیتیکی را مجموعه‌ای از مفروضه‌های راهبردی می‌داند که کشورها براساس آنها به تنظیم سیاست خارجی خود با سایر کشورها پرداخته و در این راستا به مقابله با تهدیدات خارجی و توجیه آنها می‌پردازند (Pascal, 2004: 4). در این راستا هر کشوری، کدهای ژئوپلیتیکی خاص خود را دارا است. فلینت، شیوه‌ای که یک کشور در جهان با آن به خود جهت می‌دهد را کد ژئوپلیتیک می‌نامد، مادامی که در تعریف کد ژئوپلیتیک، سیاستگذاران، موقعیتشان را در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی، احصاء فرصت‌ها و رفع تهدید برای کشورشان می‌دانند. (Flint, 2011: 55) به گفته فلینت،



برای خیلی از کشورها، نگرانی عمده از همسایگان می‌باشد که آیا با آنها دوست هستند یا دشمن (Ibid, 58). به طور کلی در بحث کد ژئوپلیتیک باید یک چشم‌انداز جامع در نظر گرفته و مؤلفه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و روابط دیپلماتیک در کنار سیاست در نظر گرفته شود. برای تنقیح چیستی و چرایی کدهای ژئوپلیتیک، مفاهیم کارگزاری ژئوپلیتیک، ساختارهای ژئوپلیتیک و کنش کارگزارها در بافت‌های ژئوپلیتیکی باید مشخص گردد. (عبدالله‌پور، 1394: 34)

مطابق با نظریه دیجکینگ، سطح عمیقی از هم‌آوایی بین کدها و بینش ژئوپلیتیک یک دولت - ملت به خاطر یک بازشناسی به اشتراک گذاشته شده بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها در بافت ژئوپلیتیکی دولت وجود دارد (Dijkink, 1998).

علاوه بر این هر دو مؤلفه توده و نخبه، موضوعات مکانیزم تحریف اطلاعات در جهان به عنوان پیامدهای سازه‌های اسطوره‌های ملی هستند (Ibid). ظهور مدل برندسازی ژئوپلیتیک وابسته به ذی‌نفعان آن می‌باشد چرا که آنها شروع‌کننده هستند و مدیریت فرآیند برند را بر عهده دارند. مدل برندسازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می‌باشد و پیش شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیکی و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم نماید. (عبدالله‌پور، 1396: 32).

دو کشور عربستان و ترکیه کدها و بینش ژئوپلیتیکی خاص خود را دارند که در ارتباط با نوعثمانی‌گری و وهابیسیم است. در جداول ذیل این کدهای منطقه‌ای دو کشور مشخص می‌شوند. باید عنوان نمود که ترکیه و عربستان به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در سال‌های اخیر با خوانشی جدید از تصویرسازی و کد بینش ژئوپلیتیکی، درصد کنشگری جدید در غرب آسیا می‌باشند که عناصر و وقته‌های آن شامل، هویت، تاریخ، قلمروسازی‌زدائی، دولت-ملت‌سازی، امنیت و منافع ملی، عثمانی‌گرایی و وسلفیسیم جدید، غیریت‌سازی و برندسازی ژئوپلیتیک، می‌باشد.

عوامل تأثیرگذار بر کدهای ژئوپلیتیکی ترکیه (عبدالله پور، 1394)

منطقه‌ای	ملی
- شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک - نئو عثمانی‌گرایی (ابعاد ژئوپلیتیکی) - کنش هویتی در میان اقلیت ترک در سوریه و عراق - تولید فضا - بسط ژئوپلیتیکی و قلمروخواهی - تقابل با کارگزاران ژئوپلیتیک - اشاعه مدل حکمرانی ترکی در خاورمیانه	- بازتعریف میراث هویتی آتاتورک - استقلال سرزمینی (بلندمدت) - سازه سرزمین ملی ترک‌ها در ترکیه - هژمونی حزبی، حزب عدالت و توسعه در ترکیه - در برابر احزاب جمهوری‌خواه خلق / حزب حرکت ملی / و احزاب کرد

مدل برندسازی ژئوپلیتیک ترکیه

- چشم‌انداز (مام میهن ترک‌های جهان) - ارزش‌ها (تاریخ، هویت، زبان، نژاد) - نمادها (پرچم، سرود و...) - اشخاص برند (اردوغان) - تصویرسازی از دشمن (تعارض با میدان‌ها) - ادعای قلمروئی (مناطق منفک شده از عثمانی...)	هویت برند
- ساختار حکمرانی (جمهوریت نو) - قدرت نظامی - منابع (انرژی، آب و گاز) - ابزارهای ارتباطاتی (ماهواره، مطبوعات، دیاسپورای ترک در اروپا)	اجرا
- بسیج حامیان و متحدان (پان ترکیسم و جهان سنی) - مرعوب نمودن رقبا	کارکرد



عوامل تأثیرگذار بر کدهای ژئوپلیتیکی عربستان

منطقه‌ای	ملی
- شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک شیعی - دیپلماسی تهاجمی عربستان - کنش هویتی عربی در خاورمیانه عربی - تولید فضا - هژمونی در شامات و خلع ید از ایران - تقابل با ترکیه و اخوان المسلمین	- بازتعریف و بازخوانش جدید از میراث ال سعود با قرائت جدید - سازه سرزمین ملی اعراب حجازی - سرکوب مخالفان سلمان و سرکوب شیعیان

مدل برندسازی ژئوپلیتیک عربستان

- چشم‌انداز (هژمونی عرب سنی در خاورمیانه) - ارزش‌ها (تاریخ عرب، هویت عرب، لهجه حجازی) - نمادها (حرمین شریفین ...) - تصویرسازی از دشمن (شیعیان، سکولاریسم، اخوان المسلمین) - ادعای قلمروئی (پان عربیسم در لوای ایدئولوژی وهابی)	هویت برند
- ساختار حکمرانی (جمهوریت نو) - قدرت اقتصادی - منابع (انرژی، پترودلار) - ابزارهای ارتباطاتی (منابع مادی و ایدئولوژیک سلفی)	احرا
- بسیج حامیان و متحدان (تشکیل، حمایت و صدور تروریسم تکفیری)	کارکرد

هاکان یاوز اعتقاد دارد که نوعثمانی‌گرایی به ساخت یک ترکیه جدید با وفاداری متعین که نه با هر نوع از ویژگی‌های زبانی و نژادی، بلکه با یک تجربه تاریخی به اشتراک گذاشته شده با میراث عثمانی و دلبستگی با اسلام، امید و پیوند دارد (Yavuz, 1998, 23). عومر تاشپینار نیز بر این عقیده است که نو عثمانی‌گرایی در جست‌وجوی فهم حداقلی نظامی در داخل ترکیه و استفاده از قدرت نرم ترکیه در سرزمین‌های متعلق به ترکیه است (Tashpinar, 2008: 15). در حقیقت نوعثمانی‌گرایی ترکیه در منطقه نوعی بازخوانش جدید چند

فرهنگ گرائی نوستالژیک گونه ترک‌ها می‌باشد. (Ibid)

علائق ژئوپلیتیکی عربستان سعودی

رهیافت ژئوپلیتیکی - ایدئولوژیکی، رویکرد اصلی عربستان نسبت به تحولات خاورمیانه در سال‌های اخیر بوده است. به طور کلی سیاست خارجی و امنیتی عربستان در خصوص محیط پیرامونی و حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای بر سیاست حفظ وضع موجود استوار است. سیاست حفظ وضع موجود در چارچوب ائتلاف با غرب به عنوان اصلی‌ترین رویکرد امنیتی پادشاهی عربستان تلقی می‌شود. این سیاست، شالوده‌ی نگاه عربستان به پویش‌های موجود است و هرگونه ماجراجویی در سطح منطقه و به خصوص در حوزه پیرامونی خود را تحمل نخواهد کرد. عربستان در دوران سیاست خارجی خود بر اصول ذیل، تکیه نموده است:

- مبارزه با نگرش‌های انقلابی در خاورمیانه؛

- سیاست حفظ وضع موجود؛

- قیومیت مذهبی جهان اسلام سنی؛

- بسط تأثیرگذاری خود در کشورهای همسایه به علت دو قطبی شیعه/سنی

بعد از تحولات بهار عرب.

بنابراین تحلیل و انطباق تحولات و بحران‌هایی که در بحرین، یمن و سوریه روی داده است به خوبی می‌تواند مؤید شاخصه‌های فوق باشد.

در راستای کنشگری ترکیه می‌توان، روش‌ها و اهداف خرد و کلان عربستان

در منطقه خاورمیانه را به صورت ذیل ترسیم می‌نماید.



روش‌ها، اهداف خرد و کلان عربستان

اهداف کلان استراتژیک عربستان - ارتقاء قدرت سلفیسم - تقویت حس تعهد آمریکا به متحدان سنتی‌اش در خاورمیانه - جلوگیری از تشکیل یک ایران هسته‌ای - توقف خیزش ایران در منطقه - حفظ امنیت داخلی عربستان	
اهداف خرد استراتژیک عربستان - جایگزین نمودن نظام سوریه و خلع ید از ایران در سوریه - عقب نشاندن ایران از سوریه، بحرین و یمن - حفظ اتحاد قوی با دول عرب خلیج فارس	
روش‌های عربستان - حمایت مالی از گروه‌های اپوزیسیون در سوریه - حمایت مالی از اردن و مصر - تشکیل جلسات منظم برای اپوزیسیون سوریه تحت یک چتر واحد - خلع ید از ایران در یمن - بسط و گسترش کیفی نیروهای نظامی عربستان	

عربستان سعودی و بحران سوریه

در حالی که در بهار عرب، عربستان سعودی سیاست ضد انقلاب مردمی را در بحرین و سوریه به نمایش گذاشت ولی در سوریه خود را یک کشور طرفدار انقلاب و در کنار مخالفین نظام سوریه نشان داد. به لحاظ تاریخی نیز ارتباط بین سوریه و عربستان، همیشه به علت نقش کارگزاران این دو کشور در فلسطین و لبنان و تضاد ایدئولوژیکی، در نوسان بوده است. با این تفاسیر عربستان سعودی به علت مشکلات درونی و حاکمیتی خود و نقش تعارض‌آمیز در منطقه یک دولت شکننده و یک کشور بی‌ثبات در منطقه بی‌ثبات است (Rieger, 204). اما نقش عربستان در سوریه و چگونگی کارکرد آن به جهت حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای با ساختارهای منطقه مانند ترکیه و ایران بسیار مهم می‌باشد. عربستان بر این اعتقاد است که ایران برای بسط نفوذ خود در صدد بی‌ثبات نمودن منطقه می‌باشد. (Rieger, 2014) از آنجا که سیاست‌های عربستان سعودی در سالیان اخیر علاوه بر بعد ایدئولوژیکی که ذاتی اسلام عربستانی است، بعد ژئوپلیتیکی را نیز

شامل می‌شود، لذا، کنشگری عربستان در دو سطح ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک مطرح است. (عبدالله‌پور، 1394) سعودی‌ها همواره سوریه را به خاطر حمایت از خط حزب‌الله /امل که به زعم آن‌ها سیاست وضع موجود را به خطر انداخته و سرکوب اکثریت سنی این کشور، متهم نموده و آن را یک کد ناامنی برای منطقه شامات و هم‌پیمانان خود در اردن و لبنان می‌دانند، لذا تغییر و سرنگونی حکومت علوی اسد را یک داده اساسی برای سیاست خارجی و پیوستگی ژئوپلیتیک خود می‌دانند. از سوئی رژیم سعودی اعتقاد دارد که ایران در پی بی‌ثباتی و بسط نفوذ خود در مناطق خاورمیانه و جهان عرب است. (Rieger, 2014) ساقط شدن نظام اسد و علوی‌های حاکم بر کشور سوریه، ژئوپلیتیک پیوسته نظام سعودی را به دریای مدیترانه وصل می‌نماید چرا که پیوستگی ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با استان سنی‌نشین انبار و نینوا به مناطق سنی‌نشین سوریه وصل می‌گردد. علاوه بر این، الگوی رفتار سیاسی و امنیتی عربستان در برخورد با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که این بازیگر تلاش دارد تا به عنوان محور ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نقش یک پارچه‌ساز سیاست‌های امنیت، هویت و قدرت را در خاورمیانه عهده‌دار شود. اهمیت تغییر در سوریه از بعد ژئوپلیتیکی برای عربستان در دو مورد نهفته است، موازنه‌ی منطقه‌ای با ایران و مداخلات سوریه در حوزه‌های نفوذ عربستان در لبنان و فلسطین. در خصوص نفوذ عربستان در سوریه و در بحران سال‌های اخیر این کشور باید به ریشه‌های سنتی و قبیله‌ای بین اعراب بدوی سوریه و عربستان اشاره نمود. قبایل ساکن در منطقه البدیعه که 55 درصد خاک سوریه را تشکیل می‌دهد، 45 درصد جمعیت سوریه را شامل می‌شوند. (Dawn, 2013) اکثریت گروه‌های قبیله‌ای سوریه، شاخه‌هایی زیرقبیله‌ای سیستم عشایری / قبیله‌ای هستند که ریشه در شبه جزیره عربستان هستند که برای دسترسی به آب و سرزمین‌های حاصلخیز به مناطق شمالی، مهاجرت کرده‌اند. (Dokhan, 2015: 16) این قبایل هنوز روابط قبیله‌ای خود را با شبه جزیره عربستان حفظ کرده‌اند. عنصر اصلی در



صورت‌بندی قبیله‌ای در سوریه برقراری سیستم خویشاوندی (Kinship) است که حمله به یک فرد، پاسخ گروهی را در پی خواهد داشت که اقدام جمعی نامیده می‌شود و اعضای گروه متعهد به حمایت از یکدیگر هستند؛ به طوری که اقدام جمعی با توجه به عصیت قبیله‌ای منجر به خشونت جمعی می‌گردد. رابطه بین قبایل سوری و کشورهای خلیج فارس به صورت سنتی یک نگاه حامی-محور بوده است. عربستان سعودی، همیشه قبیله عنزا را با حمایت‌های مالی و سیاسی، پشتیبانی نموده است. (Schoel, 2011: 96-113) به طوری که جوانان این قبایل که در کشورهای حاشیه خلیج فارس مشول به کارند یکی از عوامل نضج شورش‌ها در سوریه بوده‌اند.

از طرفی عربستان، نسبت به گسترش و تشکیل هلال شیعی و بسط نفوذ ایران از طریق عراق به سوریه و سواحل مدیترانه و لبنان به شدت نگران است. (Imonti, 2014) قیام در سوریه، فرصت مناسبی را در اختیار عربستان قرار داده تا از راه پیوند با قبایل برای تخریب و فروپاشی نظام سوریه و ملاً خلع ید از ایران برای دسترسی به امیال ژئوپلیتیکی، جلوگیری نماید. میان مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به کنفدراسیون شمر و عنزا که در قرن 18 و 19 از نجد به سوریه مهاجرت کردند اشاره نمود. (Dawn, 2010, 29-49) هر دو این قبایل بعد از ورود به سوریه، مسیرهای اصلی تجارت و بازرگانی بین دمشق - بغداد و دمشق - مکه را کنترل نمودند. (Tooth, 2000) استفاده حافظ اسد از بدوین‌ها در سرکوب قیام 1982 در حماء و استفاده از آنها در وزارت کشور و سیستم تحبیب و رشوه به رؤسای قبایل در شمال و شرق، آنها را در صف حکومت قرار داد. (Sana, May 26, 2014) با شروع بحران در سوریه، بسیاری از رهبران قبیله‌ای در رسانه‌های سوریه به عنوان نماد هویت و نوع دوستی در تأیید نظام سوریه صحبت کردند. در طرف مقابل نیز در نخستین تجمع قبایل سوری مخالف اسد در ژانویه 2012، قبایل مهمی مانند عنزا، شمر و باقرا شرکت و بر قیام و

سرنگونی حکومت بشار، صحنه گذاشتند.

عربستان و رقابت با میدان هژمونیک ترک‌ها

با توجه به تحولات جهان عرب، سیاست خارجی حفظ وضع موجود عربستان که ده‌ها سال بر سیاست خارجی این کشور سایه افکنده بود، تبدیل به یک رویکرد تجدیدنظرطلبانه شد. (Selcen & Akgul, 2016, 39) این رقابت که نمود آن از طریق سلاح، استقرار منابع مالی و نفوذ فرقه‌ای در سیاست داخلی همسایگان خود می‌باشد، در راستای رهبری و هژمونی منطقه‌ای قابل تفسیر است. امروزه عربستان سعودی تنها کشور عرب است که درگیر امور منطقه‌ای است و موظف به اجرای یک سیاست خارجی جهت جلوگیری از رشد نفوذ ایران در منطقه است؛ در حالی که علی‌رغم جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه در سیاست‌های منطقه‌ای آن، سیاست دولت ترکیه در امور منطقه‌ای با شکست مواجه و معطوف به سیاست داخلی خود به‌خصوص به دنبال انتخابات 2015 و مناطق کردنشین عراق و سوریه شده است.

عربستان سعودی در زمینه سیاست‌های داخلی خود با یک ثبات شکننده مواجه است و به مدد چهار عامل ذیل موفق به دور ماندن از انقلاب‌های عربی شده است:

– پول فراوان برای زیرساخت‌های عمرانی کشور؛

– اعتماد سیاسی و استقرار امنیت؛

– بسیج شبکه‌های حامی رژیم قبایل، طوایف و خانواده‌های الیگارشیک؛

– اصلاحات حداقلی در آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی. (Cause, 2011, 7-10)

شدت و ضعف متغیرهای هژمونیک عربستان و ترکیه در تأثیرگذاری بر روند بحران سوریه

متغیرهای هژمونیک	اقتصادی	سیاسی	نظامی	فرهنگی	ایدئولوژیک
ترکیه	پائین	بالا	بالا	بالا	پائین
عربستان	بالا	متوسط	پائین	پائین	بالا

واگرایی میان ترکیه و عربستان در موضوعات مختلف

با وجود اینکه نظام بین الملل گام‌های متعددی برای تفاهم آنکارا و ریاض طی سال‌های اخیر برداشته، زمینه‌های تعارض و رقابت دو کشور بسیار عمیق است. بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال 2002 نیز روابط عربستان و ترکیه همچنان فراز و نشیب‌هایی داشته است. به عبارت بهتر، این روابط نوسانی میان همگرایی و واگرایی بوده و هرگز به روابط مستحکم میان طرفین ختم نشده است. در واقع تعارضات اساسی میان آنکارا و ریاض، الگوی رقابت را در روابط دو کشور حاکم کرده است که در ذیل به چندین مورد از آن اشاره می‌شود:

1. تعارض هویتی در سیاست خارجی

یکی از بهترین الگوها برای تحلیل روابط ترکیه و عربستان، رویکرد سازه‌نگاری است که به رابطه میان هویت و سیاست خارجی نظر دارد. به عبارتی، هویت‌ها تعیین‌کننده منافع سیاست خارجی دولت‌ها و چراغ راهنمای منافع سیاست خارجی کشورها هستند. هویت رژیم سیاسی عربستان مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای است که شخص پادشاه از وفاداری قبایل گوناگون برخوردار است و رؤسای قبایل همواره از دستوره‌های وی اطاعت می‌کنند. جایگاه و نقش پادشاه اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین کانون قدرت و عنصر مؤثر ساختار قدرت سیاسی کشور است. از آنجا که عربستان دارای یک رژیم مطلقه سلطنتی است، شیوه رفتاری آن به گونه‌ای است که مخالفت را برنمی‌تابد. از این رو آنچه برای سعودی‌ها در عرصه روابط خارجی اهمیت دارد حفظ ثبات منطقه‌ای در راستای حفظ ثبات داخلی است. به همین علت، مبانی سیاست خارجی عربستان بر پایه حفظ روابط دوستانه این کشور با کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است تا از فشار نظام بین الملل در برابر خودکامگی‌های داخلی عربستان



بکاهد. اما ترکیه یک هویت چندپارچه برای سیاست خارجی خود قائل است: یک بعد اروپایی، یک بعد ترکی و یک بعد اسلامی که بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در مقایسه با گذشته برجسته تر شده است. در حال حاضر برخی کارشناسان بر این باورند که ترکیه با چرخش در سیاست خارجی خود، سیاست خارجی دفاع سستی و فاصله با غرب را با هدف بازآفرینی نقش ترکیه به عنوان یک قدرت مستقل منطقه‌ای در برابر آمریکا، غرب و ناتو پیش گرفته است. بنابراین سعودی‌ها از نظر هویت سیاست خارجی با ترک‌ها در تعارض هستند و این عامل می‌تواند در اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر مناسبات ترکیه و عربستان مؤثر باشد.

2. تعارض در ارتباط با تحولات منطقه غرب آسیا در سال‌های بعد از 2011
بعد از تحولات غرب آسیا در سال 2011، روابط ریاض- آنکارا تلاطم‌های بیشتری نسبت به گذشته داشته است. طی هفت سال اخیر، ترکیه تغییراتی معنایی در تعریف هویت ملی به وجود آورد. به عبارتی براساس بعد اسلامی هویت خود، با جهان عرب همزادپنداری دارد؛ از این رو سعی کرده است در جریان این تحولات نقش فعال و مؤثری ایفا کند. به عبارتی ترکیه در تلاش است مدل ترکی تحت حکومت عدالت و توسعه را به عنوان نمونه‌ای موفق از ترکیب اسلام، دموکراسی و اقتصاد کارا نشان دهد تا آنجا که انقلابیون مصر را به اتخاذ الگویی مشابه ترکیه ترغیب کرده است. این مسئله به شدت مورد اعتراض عربستان قرار گرفت؛ از این رو، یکی از زمینه‌های تعارض ترکیه و عربستان به حمایت آنکارا از اخوان باز می‌گردد. حمایت اردوغان از انقلابیون مصر نه تنها می‌توانست ساختارهای سستی سیاسی مانند عربستان را به چالش بکشد، بلکه نقش عربستان را در تحولات منطقه کم‌رنگ کند. در واقع رویکرد میانه‌رو اخوان المسلمین که مورد حمایت ترکیه است، در تقابل با رویکرد سلفی عربستان قرار دارد؛ زیرا



اشاعه تفکرات اخوانی می‌تواند عربستان را به حاشیه براند. (شفقنا، 1396)

3. کودتای نافرجام 15 جولای 2016 ترکیه

بخشی از نظامیان ارتش ترکیه تلاش کردند حکومت را با کودتا به دست گیرند که نتوانستند و کودتا شکست خورد. دولت ترکیه به خوبی دانست که پشت این کودتا آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو و عربستان سعودی هستند. (اسلام تایمز، 1395) رفتار عربستان سعودی قبل و بعد از کودتای نافرجام باعث بدبینی مقامات آنکارا به این کشور شد. اگرچه ترکیه ناراحتی خود را به طور رسمی اعلام نکرد، اما از طریق کانال‌های دیپلماتیک این مسئله را به مقامات عربستان سعودی گوشزد کرد. ترکیه رفتارهای مقامات و رسانه‌های کشورهای مختلف را از آغاز کودتا تا شکست آن در حافظه خود نگه داشته است. العربیه، شبکه رسمی عربستان سعودی، شب کودتا با شغف فراوان از کودتای نظامی در ترکیه خبر و این کودتا را پوشش داد و وقتی کودتا را شکست خورده دید، با تغییر مواضع بر عبارت «کودتای ناموفق» تأکید کرد.

«مجتهد»، فعال مشهور سعودی که اطلاعات محرمانه درون خاندان آل سعود را برملا می‌کند، در حساب توئیتری خود ادعاهای مهمی درباره کودتای ترکیه مطرح کرد و نوشت: «امارات متحده عربی از طریق محمد دحلان حمایت مالی کودتا علیه ترکیه را به عهده گرفت. با اینکه شاهزاده محمد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی از این مسئله آگاه بود، ولی به خاطر دوستی با بن زاید خبر کودتا را به ترکیه نداد تا کودتا اجرایی شود.» (تسنیم، 1395) ادعاهای مجتهد با واکنش گسترده رسانه‌های طرفدار اردوغان مواجه شد.

چند روز پس از کودتای نافرجام ترکیه، محمد دحلان از طریق شبکه تلویزیونی الغد مصر با فتح‌الله گولن در ایالت پنسیلوانیای آمریکا مصاحبه‌ای تلویزیونی انجام داد. یک ماه پس از کودتای نافرجام ترکیه، العربیه، شبکه رسمی

عربستان سعودی، مصاحبه اختصاصی با فتح‌الله گولن در ایالت پنسیلوانیا را پخش کرد. در این مصاحبه اتهامات سنگینی از طرف فتح‌الله گولن به رجب طیب اردوغان وارد شد. فتح‌الله گولن در این مصاحبه خائن اصلی به مردم ترکیه را کسی دانست که قدرت را در ترکیه در اختیار دارد. در حالی که شبکه تلویزیونی العربیه اتهامات سنگین فتح‌الله گولن علیه رجب طیب اردوغان را پخش می‌کرد، وب سایت عربی العربیه هم این مصاحبه را این گونه منتشر کرد: فتح‌الله گولن، مؤسس جنبش خدمت در ترکیه که در حال حاضر به تربیت نسل طلایی ترکیه در پنسیلوانیای آمریکا مشغول است، مصاحبه‌ای اختصاصی با العربیه انجام داد. رجب طیب اردوغان نمی‌توانست به پخش این مصاحبه بی‌اعتنا باشد. وزارت خارجه ترکیه پخش این مصاحبه را در شبکه العربیه به شدت محکوم کرد و پس از اعتراض رسمی آنکارا، این مصاحبه از آرشیو تلویزیون و وب سایت خبری العربیه حذف شد. (جامعه خبری الف، 1395) اقدام شبکه العربیه هم عامل دیگری بود که سبب سرد شدن هرچه بیشتر روابط ترکیه با عربستان سعودی شد.

4. پرونده قطر

در 15 خرداد 1395 کشورهای مصر، بحرین، امارات متحده عربی و عربستان سعودی در اقدامی هماهنگ روابط دیپلماتیک خود را با قطر قطع کردند و برخی کشورهای دیگر نیز با حمایت از تصمیم این چهار کشور، روابط خود را با قطر قطع کردند یا سطح روابط خود را با این کشور کاهش دادند. پیرو این مسئله همه راه‌های زمینی، دریایی و هوایی عربستان و کشورهای همسو، با قطر بسته شد. ناگفته نماند دلایل چهار کشور یادشده برای تحریم قطر حمایت این کشور از گروه‌های تروریستی، نام بردن قطر از ایران به عنوان وزنه‌ای مهم در خاورمیانه و دانستن حماس به عنوان نماینده فلسطینیان بوده است. (صدر، 1396) البته قطر این اتهامات را رد کرد و مدعی شد خبرگزاری رسمی این کشور در خصوص



این اخبار هک شده است.

در حال حاضر می‌توان از قطر به عنوان کشوری مؤثر در حمایت از جماعت‌های اخوان المسلمین یاد کرد که روابط خوبی با نظام کنونی ترکیه که از شاخه‌های اخوان المسلمین است، دارد و در گذشته نه چندان دور نیز حامی اخوان المسلمین مصر و مرسی، رئیس‌جمهور برکنار شده مصر، بوده است. همچنین قطر یکی از پشتیبانان مهم جنبش سیاسی حماس در نوار غزه فلسطین است، زیرا حماس نیز از شاخه‌های اخوان به شمار می‌رود. یکی دیگر از علت‌های اختلاف عربستان با قطر بر سر حمایت این کشور از جنبش اخوان المسلمین است که عربستان در مقابل آنها قرار دارد.

پس از محاصره قطر، ترکیه و ایران مرزهای خود را به روی این کشور گشودند تا آن را از محاصره همه‌جانبه نجات دهند و بسیاری از اقلام مورد نیاز قطر به خصوص در حوزه خوراک و کشاورزی و... را تأمین کردند و اجازه دادند پروازهای قطر از حریم هوایی کشورشان انجام شود تا آسیبی به این کشور از این جنبه وارد نشود یا کمتر آسیب ببیند. (آفتاب نیوز، 1396) ترکیه که از لحاظ ایدئولوژیکی و مذهب به قطر نزدیک‌تر است (بدان علت که هر دو کشور اخوانی و سنی‌مذهب‌اند) اجازه حضور نظامی در این کشور یافت و نیروی بیشتری را به قطر برای حمایت از این کشور در مقابل حمله‌های احتمالی و... اعزام کرد. در دوران حصر، قراردادهای پیمان‌هایی میان ترکیه - قطر و ایران - قطر منعقد شد که عملاً قطر را بیشتر به سوی ایران و ترکیه سوق داد. همین مسئله سبب عصبانیت هرچه بیشتر عربستان سعودی از ترکیه شد، زیرا عملاً موجب نجات قطر از محاصره و تحریم همه‌جانبه و نیز شکست طرح تسلیم قطر و تبعیت محض داشتن این کشور از عربستان سعودی شد.

چهار کشور محاصره‌کننده قطر شروط سیزده‌گانه‌ای را برای برقراری رابطه مجدد با قطر اعلام کرده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: 1. تعطیلی شبکه الجزیره

قطر؛ 2. بسته شدن پایگاه نظامی ترکیه در قطر؛ 3. توقف همکاری نظامی آنکارا با دوحه؛ 4. کاهش روابط دیپلماتیک دوحه با تهران؛ 5. قطع روابط قطر با اخوان المسلمین؛ 6. قطع رابطه قطر با حزب الله لبنان؛ 7. قطع ارتباط قطر با گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش. (جام جم آنلاین، 1396) برخی از این شروط به خوبی از سردی رابطه و وجود تنش بین عربستان سعودی و ترکیه به سبب مسئله قطر حکایت دارد. همچنین بر اثر تیرگی روابط عربستان سعودی و ترکیه در پی بحران قطر، سفر برنامه‌ریزی شده 250 هزار سعودی به آنکارا لغو شد.

5. مسئله به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی توسط ترامپ اعلام انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس و پذیرش این شهر به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی از سوی ترامپ، واکنش‌های بسیار گسترده‌ای در جهان به ویژه از سوی دولتمردان کشورهای اسلامی در پی داشت. در این میان شاید یکی از سخت‌ترین مواضع را رئیس‌جمهوری ترکیه اتخاذ کرد که مورد توجه رسانه‌ها و محافل سیاسی منطقه قرار گرفت و بازخورد وسیعی یافت. رجب طیب اردوغان اسرائیل را «تروریست» و «کودک‌کش» توصیف و اعلام کرد برای مقابله با تصمیم آمریکا در به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل «با همه قوا مبارزه می‌کند». علاوه بر این مواضع، آنکارا خواهان تشکیل جلسه فوق‌العاده سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی برای مقابله با اقدام آمریکا شد. طبیعتاً ایراد این سخنان از سوی رئیس‌جمهور کشوری که برخلاف بیشتر کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک دارد و میزبان سفارت‌خانه این رژیم است، بسیار پر اهمیت است و جای تأمل دارد. (الوقت، 1396) با نگاهی به نشست اضطراری سازمان همکاری‌های اسلامی در استانبول ترکیه که در 22 آذر 96 برگزار شد، به خوبی متوجه تفاوت مواضع ترکیه با عربستان و هم‌پیمانانش درباره قدس و فلسطین می‌شویم؛ زیرا نه تنها پادشاه یا



ولیعهد عربستان سعودی در این اجلاس شرکت نکردند، بلکه حتی این کشور در حد وزیر خارجه نیز در این کنفرانس حضور نیافت که از عزم جدی نداشتن عربستان سعودی در برخورد با تصمیم جنجالی ترامپ و به نوعی دادن چراغ سبز به ایالات متحده آمریکا مبنی بر به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی حکایت داشت. در حالی که کشورهایمانند ترکیه و ایران خواستار برگزاری اجلاس فوری در این زمینه و حتی خواستار ورود سازمان ملل متحد و شورای امنیت برای مقابله با این تصمیم جنجالی ترامپ که مخالفت آشکار با قوانین بین‌المللی است، شدند. عدم تحرک جدی عربستان سعودی در مقابل تصمیم جنجالی ترامپ حکایت از رابطه عربستان با ایالات متحده آمریکا و عدم مزاحمت و سنگ اندازی جدی عربستان سعودی در مقابل این تصمیم جنجالی ترامپ دارد.

6. تعارض در نوع نگاه به کردهای سوریه

عربستان سعودی که از ابتدای بحران سوریه تا کنون تلاش وافری برای براندازی نظام سوریه داشته و میلیون‌ها دلار هزینه کرده به نتیجه مطلوبی در راستای سیاست توسعه‌طلبی خود نرسیده است و به همین علت می‌کوشد برای ایفای نقش در سوریه از برگ کردی استفاده کند. در این زمینه روزنامه رأی‌الیوم در تحلیلی درباره سفر «ثامر السبهان»، وزیر مشاور پادشاه عربستان در امور خلیج فارس، به شهر رقه سوریه نوشت: «عربستان با شکست هم‌پیمانان خود در سوریه در جناح سیاسی و نظامی و دستاوردهای گسترده ارتش سوریه در خاک این کشور در حال طرح‌ریزی یک استراتژی جدید در قالب حمایت از کردهای سوریه است.» (ایرنا، 1396)

این روزنامه می‌افزاید: «اگر فرض کنیم جنگ آینده در سوریه میان ارتش سوریه و نیروهای دموکراتیک گرد بر سر شهر رقه باشد، می‌توانیم به علت سفر

ناگهانی ثامر السبهان، وزیر عربستانی به شهر رقه پی ببریم؛ چون برخلاف سیاست همیشگی عربستان بود که بر دیپلماسی آرام و دوری تا حد امکان از مناطق میدانی متشنج و حساس و عمل در پشت پرده مبتنی است.» (همان)

در همین راستا، منابع نزدیک به یگان‌های مدافع خلق گُرد اظهار داشته‌اند که عربستان به کردها پیشنهاد کرده است اگر به جنگ با ارتش سوریه در حسکه بپردازند، از آنها حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند. به گفته این منابع، این پیشنهاد از طریق کانال‌های رسمی طی نشست میان نمایندگان دو طرف مطرح شده است. (شیعه نیوز، 1395)

با توجه به این اظهارات، به نظر می‌رسد مقامات عربستان تصمیم گرفته‌اند برای مواجهه با ایران و ترکیه، که از قطر در بحران ریاض با این کشور پشتیبانی کرده‌اند، در اردوگاه کردها قرار گیرند و از استراتژی جدید آمریکا در منطقه حمایت کنند؛ در حالی که ترکیه نگاهی امنیتی به مسئله کردی دارد و هرگونه کنش بازیگر دیگر با کردها را چه داخل ترکیه و چه در کشورهای همسایه خود، تهدید امنیت ملی محسوب می‌کند. در خصوص ترکیه باید گفت همه سیاست‌های ترکیه در سوریه، ابعاد کردی دارد؛ زیرا هرگونه گشایش سیاسی و بسط ژئوپلیتیکی کردهای سوریه در طول سیاست‌های حزب کارگران کردستان ترکیه و کردهای ترکیه قرار دارد و بزرگ‌ترین خط قرمز امنیتی ترکیه محسوب می‌شود. روابط آنکارا با کردهای سوریه را سیاست سنتی کردهاسی یعنی میراث قدیمی ترکیه آتاتورک تعیین می‌کند. واکنش و حساسیت ترکیه نسبت به کردها به اندازه‌ای است که حتی دو فراساختار روسیه و آمریکا نیز مجبورند ملاحظات ترک‌ها را برای هرگونه سیاست‌گذاری درباره کردها در نظر بگیرند. بنابراین هر بازیگری ای که عربستان بخواهد با برگ کردی داشته باشد، حساسیت ترک‌ها را برمی‌انگیزد که این امر می‌تواند در واگرایی ریاض و آنکارا مؤثر باشد.



7. رقابت بر سر رهبری جهان اسلام

میلیون‌ها مسلمان در عربستان و ترکیه زندگی می‌کنند که اکثر آنها سنی مذهب‌اند؛ اما این پرسش مطرح است که چرا با وجود حکومت‌هایی داعیه‌دار در دنیای اهل تسنن، هرگز همگرایی‌های مثبتی در قالب ساختارها و نهادهای جدید برای تقویت اتحاد میان مسلمانان در این دو کشور و حتی منطقه صورت نمی‌گیرد؟ بدون شک یکی از دلایل اصلی، تعارضات و رقابت‌های سیاسی میان طرفین است. طی سال‌های اخیر همواره این تصور وجود داشته که ترکیه به دنبال رهبری جهان اسلام بوده است تا عمق تاریخی و فرهنگی خود را احیا کند. ترکیه داعیه‌دار الگوی تمدن نوین اسلامی است؛ به نحوی که خود را الگوی ایده‌آلی برای کشورهای اسلامی معرفی می‌کند. در مقابل عربستان تلاش دارد با گسترش اسلام سلفی در آسیا و آفریقا، قرائت خود از اسلام را به مسلمانان در همه کشورهای عربی و اسلامی القا کند.

مسئله دیگر به تقابل ترکی-عربی باز می‌گردد. به عبارتی، ترکیه با تقویت سازه‌های هویتی ترکی تلاش دارد خود را وارث امپراتوری عثمانی نشان دهد و در مقابل، عربستان خود را رهبر دنیای عرب می‌داند و همین مسئله می‌تواند منافع طرف مقابل را به عنوان یک رقیب تهدید کند.

به طور کلی بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه تلاش کرد به یک بازیگر برتر منطقه‌ای در معادلات سیاسی و اقتصادی تبدیل شود. به عبارتی اهداف راهبردی ترکیه به نحوی تعیین شده بود که این کشور تا سال 2023 در منطقه به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار شناخته شود. از طرف دیگر ترکیه با تأکید بر تعدیل گرایش‌های سکولاریستی، به دنبال سیاست خارجی فعال‌تر و در قالب قدرت نرم در زمینه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای سابق امپراتوری عثمانی است. عربستان که خود را پیشرو دنیای عرب و ام‌القرای اسلامی می‌داند، این مسئله را برنمی‌تابد.



8. تعارض در رقابت ژئوپلیتیک

عربستان در تئوری‌های مطرح ژئوپلیتیکی، جایگاهی ویژه دارد. موقعیت ممتاز و دسترسی به دریای سرخ و خلیج فارس موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومی منحصر به فردی به این کشور داده است. علاوه بر این، عربستان با داشتن ذخایر نفتی جهان و قدرت تولید نفت نزدیک به 12 میلیون بشکه در روز این امکان را دارد که در قیمت‌گذاری، توزیع و مصرف آن نقش خاصی ایفا و بخشی از درآمدهای خود را صرف خرید تسلیحات نظامی کند. قرار گرفتن کعبه، قبله‌گاه مسلمین جهان، در مکه و منافع فرهنگی و مادی که دارد، عربستان را در موقعیتی جدا از سایر کشورهای حوزه خلیج فارس قرار می‌دهد. چنین مزایایی به این کشور امکان داده است به گسترش نفوذ سیاسی در کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای اسلامی دیگر بپردازد. رژیم سعودی در دو دهه اخیر تلاش ویژه‌ای برای گسترش مرزهای ژئوپلیتیکی خود در بعد کشورهای عربی و اسلامی کرده است که کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق و لبنان نمونه‌های آن هستند.

در این میان دیدگاه ژئوپلیتیکی ترکیه براساس «دکترین عمق استراتژیک» داوود اوغلو بنا شده است که براساس آن ارزش هر کشوری در ژئوپلیتیک نظام جهانی مبتنی بر «موقعیت ژئواستراتژیک»، «میراث تاریخی» و «عمق جغرافیایی» آن کشور است. بنا به ادعای اوغلو، ترکیه به علت واقع شدن در عرصه‌های ژئوپلیتیکی، به خصوص به علت تسلط بر تنگه بسفر و همچنین میراث تاریخی پرشکوه امپراتوری عثمانی، به گونه‌ای منحصر به فرد از هر سه موهبت برخوردار است. داوود اوغلو بر این باور است که پس از تغییر نظام دوقطبی، نوعی ابهام و شکستگی در ماهیت نظام بین‌الملل به وجود آمده که همچنان ادامه دارد. چنین وضعیتی به کشورهایی مانند ترکیه فرصت می‌دهد توانمندی‌های بالای خود را به عنوان بازیگر قدرتمند چندمنطقه‌ای برای پر کردن خلأهای به وجودآمده آزاد کنند. در این وضعیت، ترکیه نباید به هیچ یک از بازیگران نظام بین‌الملل تکیه



کند، بلکه باید فعالانه به دنبال راه‌هایی برای متوازن کردن هم‌پیمانش و تقویت قدرت اعمال نفوذ خود باشد و مرزهای ژئوپلیتیکی خود را حتی تا عمق عربی گسترش دهد. (Murison, 2006: 5) از دید اوغلو، ترکیه نباید تنها به نقش منطقه‌ای در بالکان یا خاورمیانه قانع باشد؛ زیرا نه تنها یک قدرت منطقه‌ای، بلکه قدرتی مرکزی است. بنابراین باید نقشی راهبردی در چندین منطقه ایفا کند و بدین ترتیب اهمیت استراتژیک و جهانی خود را نیز ارتقا بخشد. (اطهری، 1392)

در مجموع به نظر می‌رسد ترک‌ها مطابق تئوری داوود اوغلو، سودای تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی و بسط ژئوپلیتیکی بسیار موسع را دارند. در مرحله ابتدایی، این بسط ژئوپلیتیکی به دنبال احاطه ژئوپلیتیکی بر بخش‌هایی از شرق میانه از جمله شمال عراق، سوریه، فلسطین و لبنان است که برای این کشور اهمیت استراتژیک دارند. (یزدان پناه، 1394) با این وصف می‌توان گفت علایق و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی ترکیه و عربستان دارای اشتراک و هم‌پوشانی است که می‌تواند زمینه رقابت و تعارض این دو کشور را ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

به صورت کلی می‌توان اظهار داشت در پرونده‌های مختلف واگرایی آنکارا - ریاض بسیار بیشتر از همگرایی آنان است و به عبارت دقیق‌تر زمینه همگرایی میان این دو کشور بسیار کم است اما در پرونده سوریه باید عنوان نمود که، رویکرد عربستان، سلبی و رویکرد ترکیه ایجابی است. عربستان برنامه مشخص توسعه‌ای برای سوریه ندارد و تنها نسبت به ایران و بسط نفوذ آن در سوریه ابراز ناراحتی می‌نماید؛ در حالی که ترکیه مرزهای سیاسی خود با سوریه فکر می‌کند و هرگونه قلمروخواهی کردها در سوریه خط قرمز این کشور است. مضاف بر این حتی یک حاکمیت متمرکز قدرتمند عربی در این کشور می‌تواند چالش‌های امنیتی آینده ترکیه باشد. بنابراین در حالی که مدل امنیتی و سیاسی

ترک‌ها برای آینده سوریه مشخص است، عربستان تنها با ایجاد بحران و تعمیق ایدئولوژی سلفی می‌تواند برگ برنده‌ای را در آینده سوریه برای جلوگیری از نفوذ حداکثری ایران و ترکیه به خود اختصاص دهد. همان‌طور که ذکر شد تفکر سیاسی امروز ترک‌ها، یک ساختار شبه امپریال منطقه‌ای رابه ذهن متبادر می‌سازد که این ساختار با تلفیق قدرت نرم/ سخت‌افزاری ترک‌ها در منطقه قابل رصد است. ورود ترک‌ها به قلمرو کشور سوریه، حکایت از این تفکر دارد. اما در روابط ترکیه و عربستان، نقش هویت و سیاست بسیار پررنگ است. ترکیه یک هویت چند بعدی دارد، بعد اروپایی، بعد ترکی و بعد اسلامی که بعد از روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه نسبت به گذشته برجسته تر شده است. از سوی دیگر، ترکیه از اسلام معتدل از نوع اخوان المسلمین دفاع می‌کند و به عبارتی این جریان را نمایندگی می‌کند. این موضوع کاملاً در تضاد با هویت مذهبی و عربی عربستان قرار دارد. سعودی‌ها با تبلیغ سلفیسم، وهابیت و رهبری جهان عرب، اساساً خود را از نظر جهان‌بینی نسبت به اجتماع، سیاست و مذهب در تضاد با ترک‌ها می‌دانند. بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه درصدد بود تا به یک بازیگر برتر منطقه‌ای در معادلات استراتژیک منطقه تبدیل شود. به عبارتی اهداف راهبردی ترکیه به نحوی تعیین شده بود که ترکیه تا سال 2020 در منطقه به عنوان بازیگر تأثیرگذار شناخته شود. از طرف دیگر نوع‌ثمانی‌گرایی با تأکید بر تقلیل گرایش‌های کمالیستی/ سکولاریستی، به دنبال سیاست خارجی پویا و در قالب قدرت نرم در زمینه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در کشورهای سابق امپراطوری عثمانی است، اما عربستان به عنوان کشوری که داعیه دار، رهبری جهان اسلام و عرب است، با هژمونی ترک‌ها مخالف است.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اسلام تایمز، «ائتلاف وهابی ها و خاندان سعودی؛ شورش ها و جنگ ها»، 1395، قابل دسترسی در: <http://tnews.ir/e19076009172.html>
- اطهری، اسدالله، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 30 فروردین 1392.
- آفتاب نیوز، «قطر تبدیل به جزیره شد»، 1396، قابل دسترسی در: <http://aftabnews.ir/fa/news/450715>
- ایرنا، «رأی الیوم: عربستان این بار روی برگ کردهای سوریه سرمایه گذاری می کند»، 1396، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/82703303>
- بلیک اچ جرالد و آلاسیردرایدل، (1369)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، دره میرحیدر، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- تسنیم، «تیرگی روابط عربستان و ترکیه بر سر قطر»، 1396، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/03/29/1440208>
- تسنیم، «اختلافات آنکارا و ریاض در مسائل منطقه ای بسیار بیشتر از اشتراکات دو طرف است»، 1395.
- جام جم آنلاین، «جزئیات پاسخ قطر به چهار کشور عربی افشا شد»، 1396، قابل دسترسی در: <http://jamejamonline.ir/online/2905065700113471672>
- جامعه خبری تحلیلی الف، «روابط ترکیه و عربستان سعودی پس از کودتای نافرجام 15 جولای»، 1395، قابل دسترسی در: <http://old.alef.ir/vdcf1jdjew6d00a.igiw.html?424297>
- شفقنا، «محورهای چهارگانه پیش برنده اختلافات ترکیه و عربستان»، 1396، قابل دسترسی در: <http://af.shafaqna.com/FA/210394>
- شیعه نیوز، «پیشنهاد عربستان به کردهای سوریه»، 1395، قابل دسترسی در: <http://www.shia-news.com/fa/news/124786>
- صدر، سید محمد، «پشت پرده تحریم قطر»، اقتصاد نیوز، 1396، قابل دسترسی در: <http://www.eghtesadnews.com-62/170851>
- عبدالله پور، محمدرضا (1396)، همه پرسى استقلال کردستان عراق، برندسازی ژئوپلیتیک، همشهری دیپلماتیک، تیر و مرداد.
- عبدالله پور، محمدرضا و قادری، رحیم، سوژگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین النهرین شمالی، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، زمستان 94.
- عبدالله پور، محمدرضا، اخباری، محمد، کرمی راد، محمد، خرده میدان کردستان عراق در میدان های ایران و ترکیه، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش های نو به جغرافیا، دانشگاه آزاد واحد گرمسار، 1394.
- عبدالله پور، محمدرضا، دیانت، محسن (1395)، دیالکتیک ساختار، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه، انتشارات کلک سیمین، تهران.
- عبدالله پور، محمدرضا، محسنی، علی، رسته، داوود، (1396)، دیاسپورا و خیزش ناسیالیسم کرد با



- تأکید بر مدل‌های تعارض، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره 1، بهار 96.
- مضاوی الرشید (2005)، مازق الصلاح فی السعودیه فی القرن الحاد و العشرین، دار الساقی، 2005، لندن.
- منصوری مقدم، محمد (1391)، مؤلفه هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم.

منابع انگلیسی

- Murison, Alexander, «The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy», Middle Eastern Studies, Vo. 142, No. 6, November 2006.
- Burges.S(1982), developed the concept of ‘consensual hegemony’ in which “the process of dialogue and interaction causes subordinate parties to appropriate and absorb the substance and requisites of the hegemony as their own. See, Sean Burges, “Consensual Hegemony: Theorizing the Practice of Brazilian Foreign Policy International Relations, Vol,22,No1.
- By Hardin Lang, Mokhtar Awad, Ken Sofer, Peter Juul, and Brian Katulis September 2014, Lessons from the Field in the Fight Against ISIS and Assad
- Cepoi, Ecaterina:(2013). The rise of islamism in contemporary Syria: from Muslim Brotherhood to Salafi-Jihadi rebels. In: Studia Politica: Romanian Political Science Review 13 (2013), 3, pp. 549-560. URN: <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssoar-447331>
- Dawn Chatty, “Syria’s Bedouin Enter the Fray. How Tribes Could Keep Syria Together,” Foreign Affairs, November 13, 2013, Accessed: May, 26, 2013. <<http://www.foreignaffairs.com/articles/140266/dawn-chatty/syrias-bedouin-enter-the-fray>>
- Dijkink, Gertjan (1998), Geopolitical Codes and Popular Representations, Geojournal, 46, pp. 293-299.
- Nazife Selcen Pinar Akgul(2016), From Stillness to Aggression: The Policy of Saudi Arabia towards Syria after the Arab Spring, Department of Public Administration Bayburt University Turkey
- Rogers.S(1982) Gramsci’s Political Thought An Introduction (London:Lawrance and Wishart,
- See David Phillips regarding ISIS–Turkey Links, <http://tinyurl.com/lzjqo68>.
- Tannas Michel and Günter Seufert(2016), Turkey’s failed pursuit of hegemony in the Middle East: Three periods of Turkey’s ‘independent’ foreign policy
- A.Logunov” Ethnos & territory in Eurasian Geostrategic” military though, n5, 1993
- Rieger, R. (2014). In Search of Stability: Saudi Arabia and the Arab Spring. Gulf

- Research Center. Saudi Arabia recalls Syria envoy as Assad defends crackdown. The Express Tribune with International New Available:<http://tribune.com.pk/story/226669/saudi-arabia-recalls-syria-envoy-as-assad-> (May 25, 2015)
- Anthony Tooth, The Transformation of a Pastoral Economy: Bedouin and States in Northern Arabia, 1850-1950, PhD dissertation, (University of Oxford, 2000).
- Aylin Unver Noy(2014), clash of Islamic models
- By Hardin Lang, Mokhtar Awad, Ken Sofer, Peter Juul, and Brian Katulis September 2014, Lessons from the Field in the Fight Against ISIS and Assad,www.Americanprogress.com
- Colin Flint, Introduction to Geopolitics (New York: Routledge, 2011), p. 43.
- Coughlin C. (2011). "Egypt protests: Barack Obama may rue the day he decided to abandon Mubarak," TheTelegraph,Available <http://www.telegraph.co.uk/comment/columnists/concoughlin/8301996/Egyptprotests-Barack-Obama-may-rue-the-day-he-decided-to-abandon-Mubarak.html> (May 28, 2015)
- Dukhan,Hanian(2015), Tribe and Tribalism in Syrian Uprising
- Franchi H. L. (2011). "Obama Administration mulls India-style nuclear pact with Saudi Arabia," Christian Science Monitor, Available: <http://www.csmonitor.com/USA/ForeignPolicy/2011/0729/Obamaadministration-mulls-India-style-nuclear-pact-with-Saudi-Arabia>. (May 28, 2016)
- Frederick W. Kagan, Kimberly Kagan, Jennifer Cafarella, Harleen Gambhir, Christopher Kozak Hugo Spaulding, and Katherine Zimmerman(2016), U.S. Grand Strategy: Destroying ISIS and al Qaeda,Report Two, COMPETING VISIONS FOR SYRIA AND IRAQ: THE MYTH OF AN ANTI-ISIS GRAND COALITION.instituue for study of war , Washington, DC
- Kraig , bonfield(2014) , Turkish Kurdish energy cooperation in the Iraq cordorum , center for strategic and international studies.www.csis.org
- Mohamed Bin Huwaidin(2015), The Security Dilemma in Saudi-Iranian Relations, Review of History and Political Science December 2015, Vol. 3, No. 2, pp. 69-79
- Mohammad Reza Abdollahpoor, Adjunct professor in Political Science , Department of Political Science & International , College of Law & Political Science, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran(corresponding Author)
- Nolte. D(2010), how TO COMPARE REGIONAL POWERS : Analytical concepts and research topics ,Review of international studies , volume 36 issue 4, 01 November 2010
- Pays, Mariam(2008), Developing a Contextually Relevant Concept of Regional Hegemony: The Case of South Africa, Zimbabwe and "Quiet Diplomacy, GIGA German Institute of Global and Area Studies /Leibniz-Institut für Globale und

Regionale Studien.

- Samir Aita, editor-in-chief of the Arabic edition of Le Monde Diplomatique, talks with Fehim Tastekin, January 27, 2014, <http://tinyurl.com/je24n9m>.
- Selim Akan, "Main base in Turkey, says rebel Free Syrian Army", Hürriyet Daily News, 30 August 2012, available at www.hurriyetdailynews.com/main-base-in-turkey-says-rebel-free-syrian-army.aspx?pageID=238&nid=28967.
- Syrian Arab News Agency (SANA): Syrian and Arab Tribes Embark on National Reconciliation, Wordpress Blog, May 5, 2012, Accessed: May 26, 2014.
- Turkey "aided Islamist fighters" in attack on Syrian town, The Telegraph, March 15, 2016, <http://tinyurl.com/hajmaqux>; Turkey accused of colluding with Isis to oppose Syrian Kurds and Assad following surprise release of 49 hostages, Independent, September 21, 2014, <http://tinyurl.com/hpse8lc>.

